

جایگاه منظر در توسعه پایدار

چکیده | در ابتدای بحث لازم است به یادآوری مفاهیم و تعاریف پایه منظر که امروزه در محافل علمی اروپا و سایر کشورها پذیرفته شده‌اند، پرداخته شود. واژه منظر واژه‌ای چندمعنایی است که در پیوستگی عینیت. ذهنیت معنا می‌شود: از منظر مادی یا عینی که جغرافیدان‌ها و دانشمندان علوم طبیعی به آن می‌پردازند تا منظر غیر مادی یا ذهنی که برآمده از تاریخ و به ویژه هنر است.

منظر در پژوهش‌ها و ادبیات علمی عبارت از ساختاری اجتماعی با ابعاد دوگانه مادی و غیرمادی است. امروزه در اروپا، اکثر متخصصان علمی و مسئولان خدمات مهندسی در آمایش سرزمین، به تعریفی که در کنوانسیون اروپایی منظر آمده رجوع می‌کنند: "بخشی از سرزمین، آن‌گونه که توسط جمعیت‌ها درک می‌شود و نتیجه عوامل طبیعی یا انسانی و روابط این دو با هم است".

منظر، محصول تعامل میان عوامل مادی و غیر مادی است: فعالیت‌های اقتصادی با تغییر دادن بستر بیوفیزیک، منظر مادی (مواد بی‌جان و بیولوژیک، از جمله جسم انسانی) را تولید می‌کنند. در عین حال جوامع در طول تاریخ، براساس تکامل روابط اجتماعی با طبیعت، منظر را بازنمایی می‌کنند. این تغییرات در منظر مادی، به نوبه خود مظاهر اجتماعی منظر را تغییر می‌دهند و نیروی محرکه کنش و همچنین انگیزه کنش سیاسی می‌شود. در نتیجه جوامع براساس بازنمایی‌هایی که از دینامیک‌های خود می‌کنند، در منظر مداخله می‌کنند.

توسعه پایدار در ۱۹۸۷ در گزارش برانتلند (WCED, 1987) تعریف شد، در حالی که پیش از آن، صحبت از توسعه در درازمدت بود و پس از آن اصطلاح انگلیسی «sustainable» در فرانسه به "durable" ترجمه شد که ترجمه خوب و دقیقی نیست، زیرا این واژه بیشتر به دوام و ماندگاری اشاره دارد و مفهوم مورد نظر برانتلند را نمی‌رساند. گزارش او سه رکن توسعه پایدار را مطرح می‌کند:

- توسعه اقتصادی
- تجدید منابع طبیعی و حفاظت از آنها
- توسعه اجتماعی و فرهنگی، انتقال بین نسل‌ها
- توسعه پایدار در تقابل با مفهوم تولید ناخالص ملی (مفهوم رشد، با افزایش ثروت متوسط)



ایو لوجنبول، مدیر
پژوهش‌های عالی مرکز
ملی پژوهش‌های علمی
فرانسه

Yves.luginbuhl@univ-paris1.fr

ترجمه:
فرنوش پورصفوی،
کارشناس ارشد معماری
منظر

poursafavi@gmail.com

واژگان کلیدی | منظر پایدار، توسعه پایدار، اقتصاد منظر، ارزش.

منظر چگونه می‌تواند در توسعه پایدار راهگشا باشد؟

برطبق نتایج پژوهشی که از طریق مصاحبه صورت گرفته، ارزش‌های نهفته در منظر را به تفکیک اسامی و صفات آن می‌توان این‌گونه بیان کرد:

الف: اسامی و صفات مثبت

- زیبایی، شکوه، آرامش، هماهنگی، آسایش، راحتی، رفاه، آزادی، عشق، شادی، رویا، لذت، پاک، پاکیزگی و

بوی خوش

- زیبا، پاک، آرام، آسایش بخش، باشکوه، خوب، لذت بخش، درخشان، عالی، پر جلوه، فوق العاده، جذاب، خارق العاده و شگفت‌انگیز

ب: اسامی و صفات منفی

- زباله، آلودگی، فقر، ازدحام، بدبختی، کثیفی، دود، جنگ، نفرت، استرس، خستگی، سردی، فریب

- خطرناک، آلوده، ویران، بی‌جان، بیمار، پیر، سروصدا، بی‌روح، بدبو، غم‌انگیز، بی‌آب و علف، مسدود،

خفه، سیاه، خاکستری، تیره

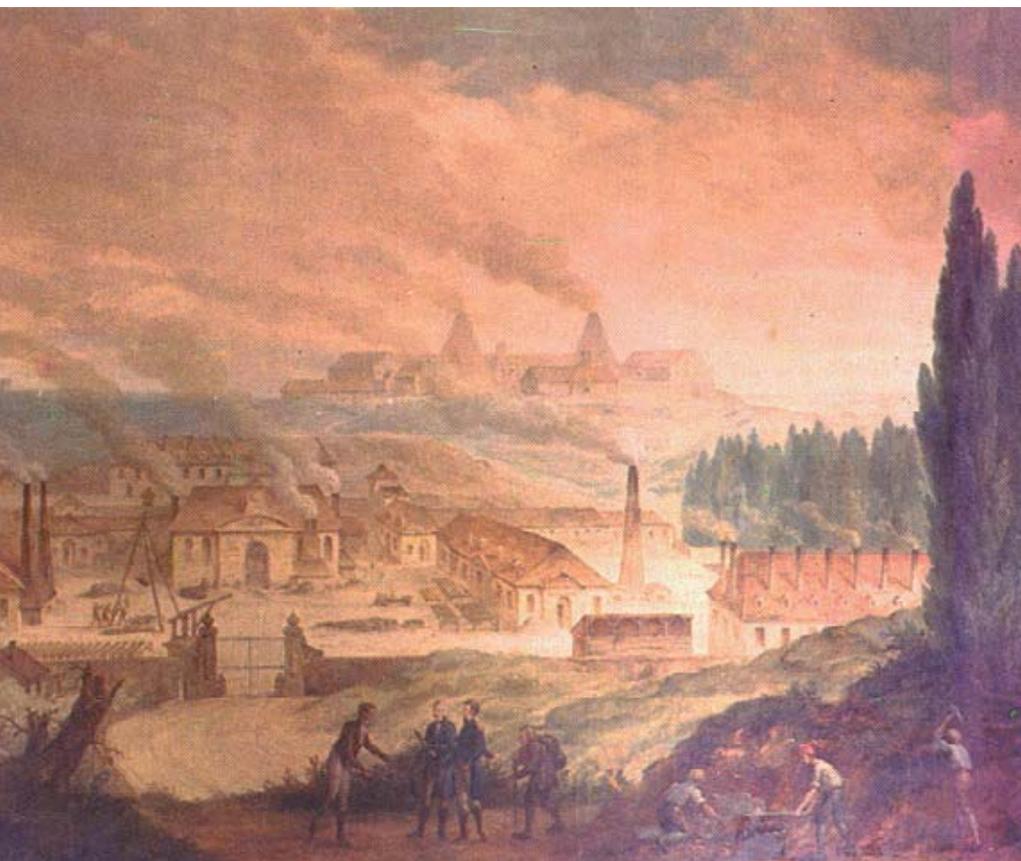
نتایج این تحقیق، ابهام منظر را نشان می‌دهد که ابعاد آرمان‌گرا و آینده‌نگر آن آشکار است. منظر همیشه زیباست (آرمان شهر) و همیشه رو به آینده دارد (به یک پروژه اشاره دارد). اما واقعیت اغلب از آرمان شهر فراتر می‌رود: منظر می‌تواند زشت باشد ولی همیشه بازمانده از گذشته است. فرایند تکامل منظر در حقیقت فرسایش و تخریب است نه پیشرفت و بهبود. پس منظر به دو ارزش اساسی پاسخ می‌دهد:

- آزادی در مواجه شدن با منظر براساس نیازها و خواسته‌ها، یا بهره‌مندی از سخاوت طبیعت و دستیابی به لذات آن

- هماهنگی زیباشناسانه و اکولوژیک (بین انسان و طبیعت) و اجتماعی (در میان انسان‌ها) که در مقابل حاکی از وجود ضد ارزش‌هایی در دنیای واقعی هستند:

- محدودیت‌های اجتماعی (نبود آزادی، و بی‌اعتمادی) - ناهماهنگی زیباشناسانه (نه فقط ناهماهنگی بصری،

تصویر ۳
Pic3



تصویر ۳: قدرت انسان در توسعه صنعتی و موج مهاجرت از روستاها به شهرها نشان‌دهنده چگونگی تأثیرگذاری تحولات توسعه‌ای بر منظر است. کارخانه شنیدر در مونتسو-له-مین. مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده.

Pic3: Man power in industrial development and the wave of migration from villages to cities shows how the development changes influence on landscape. Schneider factory in Montceau-les-Mines. Source: Author's personal Archive.

بلکه هر ناهمانگی که با دیگر حواس درک می‌شود؛ عبارات استفاده شده: بدبو، پرسروصدا، بی‌روح، غم‌انگیز و سرد) و اکولوژیک (یک دریاچه آلوده نمی‌تواند زیبا باشد؛ عبارات استفاده شده: زباله، آلودگی، خطرناک، پرسروصدا و بدبو) و اجتماعی (بدبختی، فقر، ازدحام، جنگ، نفرت و بیماری)

بنابراین منظر به دو مفهوم اصلی باز می‌گردد: پروژه منظر و افت و فرسایش.

نمونه‌های زیادی از آن در تاریخ هست، مانند توسکان و لومباردی در قرن ۱۴، هلند قرن ۱۵، ویتو در قرن ۱۶ و انگلستان و فرانسه قرن ۱۸. در قرن ۱۵ پروژه‌هایی که زاده شرایط افت و رکود اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بودند، سبب دگرگونی‌هایی شدند که در نهایت به پایان بحران اجتماعی و شروع دوره‌ای جدید همراه با رونق اقتصادی و گرایش‌های سیاسی سرمایه‌داری منجر شد. در قرن ۱۸ همراه با انقلاب فرانسه و پیدایش مالکیت خصوصی و لیبرالیسم و امروز با بحران‌های اقتصادی، سیاسی و محیط زیستی



تغییرات دیگری رخ داده‌اند.

منظور از «ارزش‌های منظر» چیست؟ ارزش کمی یا کیفی منظر را می‌توان با تعاریف زیر دریافت: ارزش، بهایی است که حاضریم برای داشتن چیزی بپردازیم. در مورد منظر، مفهوم آن از نظریه‌های اقتصاد کلاسیک برمی‌آید: بهای یک منظر.

ارزشی که از سنجش یک اندازه یا مقدار متغیر برمی‌آید؛ مثلاً ارتفاع ۸۸۰۰ متری کوه اورست، سبب ثبت آن در لیست میراث جهانی به عنوان یک اثر طبیعی استثنایی می‌شود. زیبایی این کوه از ارتفاع آن نشأت می‌گیرد.

کیفیت یا اهمیت برآورد شده با یک قضاوت ذهنی. اهمیت‌ی که منظر در خود دارد. منظر مهم است و باعث به وجود آمدن قوانین ملی و کنوانسیون اروپایی منظر شده است. برای چه کسی؟ برای مردمان و چرا؟ برای رفاه آنها. ویژگی و کیفیت آنچه مطلوب و خواستنی است، از آن جهت که به عنوان یک عینیت، خواستنی و ارزشمند قضاوت می‌شود. اما آیا منظر می‌تواند جدا از میل و آرزو باشد؟ چیزی که دارای این ویژگی باشد، چیزی است که زیبا و خوب، حقیقی و درست است. اما آیا منظر، زیبا، خوب، حقیقی و درست است؟

جوامع اروپایی ارزش‌هایی را به منظر نسبت می‌دهند. این ارزش‌ها به حوزه‌های معنایی مختلفی تعلق دارند که مستقل نیستند و در طول تاریخ به خصوص در بحران‌های بزرگ اروپا یعنی پایان قرون وسطی، قرن ۱۸ و معاصر و پایان قرن ۲۰ تکامل پیدا کرده‌اند. اما این ارزش‌ها کدامند؟ آیا اولین ارزشی که به منظر نسبت داده می‌شود ارزش استفاده و بهره اقتصادی آن است؟ منظر بقای فرد و گروه را به ویژه برای شکارچیان، گردآورندگان غذا و آنهایی که مستقیماً از آن برداشت می‌کنند، تضمین می‌کند. منظر، در حقیقت، محصول بهره‌برداری انسان و جوامع از طبیعت است. منظرهای پیش از تاریخ به طور چشم‌گیری نشان از جستجوی انسان برای شرایط بقا دارند. شرایطی که طبیعت برای بقا فراهم می‌کند، از قبیل خوراک، پوشاک، سرپناه، وسایل گرم‌کردن و دفاع از خود.

ارزش‌های کاربردی منظر آشکار هستند، اما بلافاصله ارزش‌های دیگری هم مطرح می‌شوند:

ارزش نمادین: انسان پیش از تاریخ در صحنه طبیعت نمایش خدایان یا دیگر موجودات ماوراء طبیعی را می‌بیند و به آنها ایمان می‌آورد؛

ارزش زیباشناختی: اینکه این ارزش در چه زمانی ظاهر شده محل مناقشه است. برخی نظریه‌ها مطرح شدن ارزش زیباشناسانه پیش از پیدایش لفظ منظر را نپذیرفته‌اند، اما نقاشی‌های صخره‌ای مانند آثار غار لاسکو یا شووه در فرانسه و آلتامیرا در اسپانیا، رویکرد

متفاوتی را مطرح می‌کنند؛

ارزش فرهنگی: مردم کوچ‌نشین، زیباشناسی خاصی را برای زندگی دامپروری تعریف کرده‌اند که در طول قرن‌ها ادامه داشته و هنوز هم زنده است؛ تفکیک ارزش‌های متفاوت منظر (کاربردی، نمادین و زیباشناسی) کار ساده‌ای نیست.

ارزش‌های زیباشناسانه

روابط جوامع با طبیعت، سبب شکل‌گیری و توسعه مدل‌های متفاوت منظر شده است:

۱. مدل دام‌پروری یا روستایی پیش از تاریخ به وجود آمده، در دوره باستان نظریه‌پردازی و در قرون وسطی و رنسانس از نو مطرح شده است. در انجیل آمده است: «خداوند شبان من است که مرا به دشت‌های سبز رهنمون می‌شود». این مدل هنوز در سراسر پهنه تنوع زیستی زنده است.

۲. مدل سرزمین فراوانی و وفور نعمت که امروز در خانه باغ‌ها و زمین‌های اربابی زنده است (تصویر).

۳. مدل منظر متعالی (امانوئل کانت، قرن ۱۸) پایان ترس انسان از طبیعت را نشان می‌دهد (تعالی بخشیدن به این ترس) که همراه با از میان رفتن معنای مذهبی منظر است. منظر پس از این فقط آفریده خداوند نیست، بلکه به موضوع مورد مطالعه علم در نظریه‌های علوم طبیعی و سپس علوم عقلی تبدیل می‌شود و در آن انسان خود را قدرت‌مندتر از طبیعت احساس می‌کند (پیدایش ماشین بخار).

مدل منظر پیتورسک، به معنای «نقاشی شده» که تبدیل به جنبه بی‌مزه منظر متعالی شده، به مناظر چشمگیری وابسته است که اولین گردشگران را به خود جذب می‌کنند (اشرافیت و بورژوازی ثروتمند؛ تور بزرگ اروپا). سبک پیتورسک در قرن ۱۹ در اروپا و دیگر نقاط دنیا موفقیت قابل ملاحظه‌ای داشت و سبب رونق صنعت گردشگری شد و مکان‌های خاصی را انتخاب و به طبقات اجتماعی ثروتمند که به خاطر اقتصاد لیبرالی توانایی سفر داشتند، معرفی کرد.

با اینکه تمام ارزش‌های قدیمی منظر در حال تجزیه و از بین رفتن هستند اما تا امروز دوام داشته و ارزش‌های جدیدی نیز به آنها اضافه شده است.

پیتورسک اکولوژیک (قانون طبیعت جاودان، اما بی‌رحم)؛ در فیلم‌های حیات وحش (شیری در یک چشم‌انداز شگفت‌انگیز آهویی را می‌خورد)، پارک‌های طبیعی و مناطق حفاظت‌شده دیده می‌شود.

پیتورسک قوم‌شناسانه: به اقوام در حال نابودی در منظر محل زندگی‌شان می‌پردازد (گزارش‌های تهیه شده برای تلویزیون).

منظر متعالی عاطفی: منظر چشم‌اندازهای خیره‌کننده

تصویر ۴
Pic4

تصویر ۴: مناطق کشاورزی انگلستان در قرن هجدهم با محوطه‌های خصوصی حصاربندی شده نمونه‌ای از رابطه بین اقتصاد و منظر را نشان می‌دهد. مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده.

Pic4: Agricultural areas in England in the eighteenth century with private fencing are instances for the relevancy of economy and landscape. Source: Author's personal Archive.

زمین‌ها در چارچوب مصوبات مجلس و با هدف گذار از تولید غلات به تولید محصولات دامی، نظام‌بندی شدند. در آغاز، برای ایجاد مالکیت فردی زمین به منظور کنترل دام و تولید علوفه، از روش‌های طبیعی و بهره‌گیری از آب‌وهوای مرطوب و مساعد استفاده می‌شد، ولی بعدتر روش‌های مصنوعی تولید غذای دام منجر به انقلابی در تولید علوفه و حیوانات شد. این تحولات، تغییراتی بنیادی در منظر به وجود آورد. مزارع و زمین‌های باز به باغ و بیشه‌های محصور تبدیل شدند که پرچین‌های گیاهی آنها را از هم جدا می‌کرد. مناطق وسیعی به تولید گوشت و محصولات دامی اختصاص پیدا کرد و در نتیجه آن بسیاری از روستاییان و کارگران کشاورزی به شهرها مهاجرت کردند و در معادن، کارخانه‌های فولاد یا نساجی مشغول به کار شدند. این سیستم جدید بازار را تغذیه می‌کند^۳ (تصاویر ۳ و ۴).

منظر اروپایی معاصر: رفاه یا عدم رفاه؟ همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد مسئله بهای منظر، موضوع اقتصاد سازگاری^۴ است که در پی بخشیدن ارزش مالی به منظر است. در اینجا باید به مسئله رفاه و اقتصاد بازگردیم؛ با علم به اینکه در اقتصاد، مفهوم رفاه در معنایی مترادف با «تولید ناخالص داخلی» یا «تولید خالص داخلی» استفاده می‌شود. همچنین باید به خاطر داشت که رفاه، یکی از اهداف کنوانسیون اروپایی منظر است. در مقدمه این کنوانسیون آمده است: «منظر، یکی از عناصر ضروری رفاه فردی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد». همچنین باید

یک لذت جمعی یا یک خشم جمعی.

ارزش‌گذاری یک منظر

آیا ارزیابی بهای منظر کار اقتصاددانان است؟ چرا نباید این کار را شهروندان انجام دهند؟ اقتصاددانان به امور ما رسیدگی می‌کنند، اما ارزش‌گذاری منظر مهم‌تر از آنست که تنها به اقتصاددانان واگذار شود. نظریات اقتصاددانان بیشتر متکی بر اولویت‌ها و بسیار ساده‌انگارانه است. اما جوامع به اولویت‌ها نمی‌اندیشند، بلکه از روی بازنمودهایی مانند بازنمودهای منظر، استدلال می‌کنند. کل منظر نتیجه تأثیر فعالیت‌های اقتصادی روی محیط طبیعی بی‌جان و اکولوژیک است. هر تغییری که با این فعالیت‌ها اعمال می‌شود، از طریق دینامیک‌های منظر ترجمه و بازتبدیل می‌شود؛ همچنین خود دینامیک‌های منظر نیز در اثر روندهای تکامل و جهت‌گیری‌های میان‌مدت یا بلندمدت دگرگون می‌شوند. این دینامیک‌ها از اهمیت قابل توجهی در ارزیابی اثرات تغییرات اقتصادی بر منظر برخوردارند.

به عنوان نمونه، حصاربندی زمین‌ها در انگلستان نمونه‌ای بسیار گویا از رابطه بین اقتصاد و منظر است. در قرن ۱۳ با فشار ارباب‌ها، که در پی خصوصی‌سازی زمین‌های اشتراکی خرده‌مالکان بودند، محوطه‌های خصوصی حصاربندی شده شکل گرفت. این خرده‌مالک‌ها اغلب از زمین‌های خود رانده می‌شدند و ارباب‌ها برای گسترش دامپروری و پرورش گاو و گوسفند زمین‌های آنها را تصرف می‌کردند. در طی سال‌های ۱۷۵۰ تا ۱۸۵۰ این

و مکان‌های مورد استفاده با اهداف ورزشی (چتر بازی، کوهنوردی با دست‌های برهنه و سقوط آزاد با طناب)؛ (تصویر ۲).

منظر روزمره: منظر رسمی و نهادینه شده توسط کنوانسیون اروپایی منظر.

ارزش‌ها و عواطف

ارزش‌های اخلاقی منظر باید قابل تشخیص باشد، یعنی منظر به عنوان یک اثر جمعی شناخته شود. منظور از اثر جمعی ترجیح عمومی احساساتی است که در مواجهه با یک منظر تجربه می‌شود؛ مانند لذت (تماشای یک کار مشترک)، خشم (از دیدن یک منظر آسیب دیده)، ترس (در مواجهه با منظر یک پرتگاه، سرایشی کوه یا در مقابل آسمان طوفانی)، دلتنگی (منظری که یاد لحظه‌ای خوش را زنده می‌کند) یا غم (منظری که خاطره‌ای ناخوشایند را یادآوری می‌کند).

احساسات و عواطف در ادبیات به خوبی توصیف شده‌اند، اما در اسناد مربوط به منظر کمتر به آنها پرداخته شده است. باید از میان ارزش‌ها و احساسات کدام را برگزینیم؟ ارزش‌ها می‌توانند فردی یا جمعی باشند، ولی به حساب آوردن ارزش‌های کاملاً فردی غیر ممکن است، زیرا نمی‌توان یک روند عملی را روی ارزشی فردی پایه‌گذاری کرد. پس باید بر ارزش‌های جمعی تکیه کرد. احساسات در بیشتر مواقع فردی هستند و نمی‌توان آنها را برای توجیه حساسیت‌های جمعی به کار برد. پس چاره‌ای جز اینکه بر احساسات جمعی تکیه شود، وجود ندارد؛ مثلاً

تصویر
Pic1

تصویر: منظره‌ای روستایی که بسیار مورد علاقه ژان ژاک روسو بوده است، کناره دریاچه لیمان، سوییس، مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده.

Pic1: A rural scene, which has been much favored by Jean-Jacques Rousseau, edge of Lake Lehman, Switzerland.
Source: Author's personal Archive.



منظره‌ی واجد ارزش‌هایی کمی و کیفی است که توجه به آنها در توسعه پایدار راهگشا خواهد بود. مانع این کار در جهان امروز توجه به منظر به عنوان ارزش اقتصادی و واگذاری ارزیابی آن به اقتصاددانان است، در حالی که همه ابعاد متفاوت منظر قابل ارزش‌گذاری و محاسبه نیست و راه حل آن مقدم دانستن دیدگاه منظرین و ارزیابی رفاه یا عدم رفاه حاصل از آن و تصمیم‌گیری درباره اقتصاد بر پایه آن است.

غیرمنطقی ختم می‌شوند. به عنوان مثال در یک نمونه مطالعه، در محاسبه هزینه قابل قبول رفت و آمد در یک مسیر توریستی، تفاوت‌های فاحش مشاهده می‌شود که در بررسی میدانی ۵۱ یورو و در تحقیق از طریق تلفن ۹/۵ یورو بوده است. همچنین کنسرسیومی برای اقتصاد منظر در اروپا به وجود آمد که از سوی برنامه «منظر و توسعه پایدار» حمایت مالی می‌شد، اما حقیقتاً متقاعدکننده نبود.

آیا «اقتصاد منظر» می‌تواند وجود داشته باشد؟

پرسش اساسی این است که چه دیدگاهی را باید در پیش گرفت؟ اقتصاد سازگاری از دیدگاه اقتصاد نشأت می‌گیرد و به نتیجه‌گیری درباره رفاه یا عدم رفاه و پیامدهای ارضی و زیست محیطی آنها می‌پردازد. اما در پیش‌گرفتن مسیر دیگری هم ممکن است: شروع از دیدگاه منظر و رفاه یا عدم رفاهی که از آن حاصل می‌شود و نتیجه‌گیری درباره اقتصاد بر پایه آن. یعنی اقتصاد در خدمت جامعه فرض شود نه برعکس آن و براساس آن در رویکردهای اقتصادی منظر بازنگری شود.

با این ادعا که منظر محصول اقتصاد است می‌توان

امنیت مربوط است. استیگلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد، در عین حال تأکید می‌کند: «معیارهای کلاسیک، مبتنی بر بازار، درآمد، ثروت و مصرف، برای ارزیابی رفاه بشر کافی نیستند. این معیارها باید با شاخص‌های غیر مالی کیفیت زندگی تکمیل شوند».

اقتصاد سازگاری به ساخت شاخص‌های اقتصادی توسعه پایدار می‌پردازد اما استدلال‌های آن در مقیاس جهانی، قاره‌ای یا ملی و کمتر در مقیاس محلی است. داشبوردها یا باتری‌های دارای شاخص پایداری، شاخص‌های مرکب (سازگاری با محیط زیست و عملکرد زیست محیطی)، شاخص رفاه اقتصادی پایدار^۷ که متکی بر برآورد کل ثروت عمومی و خصوصی شامل سرمایه‌های تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر (مثل زمین)، سرمایه‌های آموزشی، بهداشتی، هزینه برآورد شده آلودگی‌ها، به علاوه از بین رفتن زمین‌های کشاورزی و جنگل‌های بکر و کاهش ضخامت لایه ازن است. همچنین ردپای زیست محیطی^۸ به عنوان یک شاخص پیشنهاد شده است که به اندازه‌گیری سهم فعالیت‌های انسانی در اشغال (مصرف) ظرفیت بازسازی کره زیستی می‌پردازد و به عنوان تولیدکننده‌های زیست محیطی، برای جمعیت ثابتی از انسان‌ها که به صورت نامحدود و با نرخ ثابت به مصرف سرمایه‌های طبیعی می‌پردازند، لازم و البته مورد انتقاد است.

روش‌های ارزیابی اجتماعی. اقتصادی منظر اغلب بر پایه اولیتهایی هستند که به گنش درآمدن انگیزه‌های افراد را ساده می‌کنند، حال آنکه نموده‌های اجتماعی منظر بسیار پیچیده‌ترند. روش‌های متنوعی برای این ارزیابی‌ها وجود دارد، اما به ندرت در منظر به کار گرفته می‌شوند. تجربیات زیادی از پیشرفت‌های علوم اجتماعی در شناخت نموده‌های اجتماعی منظر به کار گرفته نمی‌شود، مانند روش «تمایل به پرداخت»، «ارزش‌گذاری مشروط» و یا روش «هزینه‌یابی» که برخی اوقات به نتایج

به خاطر داشت دینامیک‌های منظر می‌توانند بسته به جهت‌گیری خود، مولد رفاه یا فلاکت باشند^۹.

اینکه سطح زندگی اروپاییان و بسیاری از مردم دنیا به خاطر افزایش تولید کالاهای مصرفی و دسترسی به ادوات آسایش، تفریح و فرهنگ، ارتقاء قابل توجهی پیدا کرده، انکارناپذیر است. ولی در عین حال این تغییرات، نابرابری فضایی بین کشورها را در پی داشته و به ایجاد مناطق محروم و ثروتمند دامن زده است (فرایندی که با بحران تشدید شده است). پراکنندگی شهری، افت اجتماعی و کشاورزی، افزایش روزافزون نابرابری‌های اجتماعی و تمرکزگرایی (مزیت مقیاس) که باعث حذف فعالیت‌های کوچک اقتصادی (تولیدات غذایی روستایی یا صنایع دستی) می‌شود، همه از نتایج این تغییرات هستند. بازتاب اینها در منظر به صورت قطعات زمین بزرگتر، مناطق سبز وسیع، بزرگراه‌ها، فروشگاه‌های بزرگ و فرودگاه‌ها دیده می‌شود. این به معنی ژيگانسیسم (رشد غیرعادی) و ناپدید شدن تمام عناصر تک‌افتاده‌ای است که به ترویج و ارتقای تنوع زیستی کمک می‌کنند. در این صورت حال جامعه ما بهتر شده است یا بدتر؟ این سؤالی است که باید از اقتصاد پرسید.

اشاره‌ای گذرا به روش‌های مختلف اقتصاددانان

اقتصاد کلاسیک درگیر روش‌های سنجش کیفیت زندگی است و به گفته ژوزف استیگلیتز^{۱۰}، تمایز و تشخیص ارزش‌های کمی از ارزش‌های کیفی، از ویژگی‌های آن است. رویکردهای مفهومی به کیفیت زندگی، بر رفاه فردی تکیه دارند: نیازهای ابتدایی (دسترسی به کالاها و محصولات مادی)، یا پیچیده‌تر (دسترسی به آموزش) و تخصیص عادلانه امکانات (جنبه‌های غیر مالی مختلف کیفیت زندگی). مختصات کیفیت زندگی به عوامل مختلفی از جمله: سلامت، آموزش، فعالیت‌های شخصی، گرایش سیاسی، وابستگی‌های اجتماعی، شرایط زیست محیطی و

تصویر ۲
Pic2

دوباره از منظر شروع کرد و دستاوردهای اقتصادی دینامیک‌های آن را بررسی کرد (به عنوان مثال برحسب بخش فعالیت). یک دینامیک اقتصادی از یک دینامیک منظرین حاصل می‌شود. این بررسی را می‌توان برحسب فرصت‌های شغلی ایجاد شده یا از دست رفته توسط این دینامیک، یا برحسب ثروت تولید و صادر شده و ثروت وارد شده انجام داد و سپس نتایج را با دینامیک منظر مطابقت داد و با تحقیق، رفاه یا عدم رفاه تجربه شده توسط جمعیت‌ها را در دینامیک‌های خودشان سنجید. این رویکرد در پروژه دره لالوار^۱ به کار گرفته شده است. این پروژه کاری میان رشته‌ای است که توسط گروهی از متخصصان متشکل از جغرافی‌دانان، مهندسان کشاورزی، اقتصاددانان دگراندیش، جامعه‌شناسان و معماران منظر انجام می‌شود.

در عین حال، تجربیات «دموکراسی مشارکتی» که تنها در مقیاس محلی می‌تواند بروز پیدا کند، قویاً در مقابله با روند تغییرات مرتبط با جهانی شدن و منافع گروه‌های بزرگ اقتصادی و شرکت‌های چندملیتی قرار دارد. مقیاس محلی تجربیات مشارکت، اغلب پناهی در مقابل جهانی شدن است و بازیگرانی که در تلاش برای بازیابی شکلی از قدرت هستند، غالباً در مقابل توانایی این لابی‌های بزرگ که قدرت اقتصادی و مالی و به تبع آن سیاسی را در اختیار دارند، ناتوانند.

نوآوری منظرین از راه ایجاد شبکه‌هایی بین بازیگران جامعه مدنی ممکن می‌شود که با تبادل تجربیات خود و درس‌هایی که می‌توان از آنها آموخت شاید بتوانند به منظر معنایی ببخشند که به دغدغه‌هایشان نزدیک تر باشد و از این طریق کیفیت زندگی خود را ارتقا بخشند و کنترل آن را برای آینده به دست گیرند.

جمع‌بندی | سیر معنایی واژه منظر یک روند انباشت معانی را نشان می‌دهد و در عین حال چرخش معنی به دست کسانی که در آن ابزاری برای اعمال قدرت خود بر سرزمین‌ها یافته‌اند. بحران کنونی که بسیار عمیق است و در آن واحد حوزه‌های اکولوژی، اقتصاد و سیاست را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از دوسود درباره مفهوم منظر در این زمان پرس و جومی‌کند. پیش از هر چیز، بحران سیاسی و مخاطراتی که رژیم دموکرات متحمل شده، شاید پیامد تجربه‌های متعدد جمعی جامعه مدنی، در مشارکت جمعیت‌ها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی درباره آمایش سرزمین‌هاست. بنابراین پس از چرخش معنای اولیه منظر که ترکیبی از سرزمین، جامعه و حکومت است به دغدغه‌ای برای نخبگان زیباشناس تبدیل شده بود، به شهروندان «عادی» نزدیک تر شده است و شهروندان با کمک دانشمندان و دست‌اندرکاران در پی بازیابی شکلی از قدرت در محیط زندگی‌شان هستند.

پی‌نوشت

۱. استراسبورگ
۲. Joseph Stiglitz
۳. Soutenable
۴. Ecological Footprint
۵. La Loire

۱. Vénétié
۲. Grand Tour
۳. آدم اسمیت در ۱۷۷۶ نظریات خود را در کتاب «پژوهش‌هایی درباره طبیعت و علل ثروتمند شدن ملت‌ها» از اینجا استخراج می‌کند و کارل مارکس تئوری سرمایه خود را بر همین پایه ساخته است. رجوع شود به: Smith, 1776
۴. Economy of Amenity
۵. نگاه کنید به: رابطه رفاه فردی و اجتماعی با منظر. (۲۰۰۳). کارگاه کنوانسیون اروپایی منظر.

The Position of Landscape within Sustainable Development

Yves Luginbuhl, Supreme Research Director, French National Center for Scientific Research.
Yves.luginbuhl@univ-paris1.fr

Translated (from the French to Persian): Farnoosh Poursafavi, M.A in Landscape Architecture.
poursafavi@gmail.com

Abstract | Sustainable development is a debatable concept in scientific and administrative meetings which involves many specialized disciplines through a specific look to the future of the earth and its inhabitants. Landscape science can coordinate the policies and align the achievements of various sciences as a discipline. In addition to the dual structure of objective and subjective, consideration of qualitative and quantitative value can be effective in sustainable development as well. Today, consideration of landscape as an economic value and assignment of its assessment to economists while its various dimensions are not calculable and ratable is the greatest obstacle. However, its solution precedes landscape approach and assessment of its consequential welfare and decision-making based on economy. In other words economy should be considered in terms of service for landscape and the society which will be achieved by reviewing economic landscape approaches. Therefore, The original meaning of the landscape which is the combination of land, society and the state will become more understandable to ordinary people and citizens will be able to recover their living environment with the help of scientists and officials and exchange their experiences to offer more acceptable meaning to their landscape concerns while improving their quality of life and controlling their future.

Keywords | Sustainable landscape, Sustainable development, Economy of landscape, Value.

تصویر ۲: پیروزی انسان بر طبیعت، صعود موفقیت آمیز به قلهٔ سرّون تصویر شده توسط گوستاو دوره، که از یک سو برتری انسان بر طبیعت و از سوی دیگر فرودستی او هنگام پاره شدن طناب را نشان می دهد.
ماخذ: آرشیو شخصی نگارنده.

Pic2: The triumph of man over nature, the successful ascent to the summit of Mont Cervin, illustrated by Gustave Doré which demonstrates human superiority to the nature on the one hand and human inferiority at tearing of a rope on the other hand.
Source: Author's personal Archive.

Reference list

- Smith, A. (1776). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations, Book III: Of the different Progress of Opulence in different Nations*. London: Methuen & Co. Ltd.
- WCED (United Nations World Commission on Environment and Development). (1987). *our common future: Report of the World Commission on Environment and Development held in brunland*. Available from: <http://www.un-documents.net/our-common-future.pdf> (Accessed 22 December 2014).